

غبار رازی

نام کوچک این گوینده نابینا میرزانبی بوده و در هشت ماهگی بر اثر بیماری آبله نابینا شد.

با وجود نابینا بودنش تحصیل علوم کرد و شگفت آنکه در عین حال بحرفه عطاری اشتغال داشته در صورتیکه این شغل بر کثرت ادویه معروف است. هرچه از او می‌خواستند بیدرنگ از جای خود بخواهند می‌داد بی آنکه اشتباه کند یا اختلافی بهم‌رساند. دوازده سالی بدین کار می‌پرداخت و دیوانهای سخنوران را که می‌شنید تتبع کافی می‌کرد و بخاطر می‌سپرد. در پایان زندگی به زیارت امام رضا(ع) به مشهد رفت، دو سالی در آستانه مقدس رضوی مجاورت داشت. پس از بازگشت از توس بسال ۱۲۷۲ در گذشت، ۳۴ سال بیشتر نزیست و اشعار زیادی از خود بجای گذاشته است.

تأثیر عشق

پوشیدن عشق کارمن نیست	غم پرده دراست و اشک غماز
الاغم بـیشمار من نیست	چیزی که ورا شماره نتوان
جز دیده اشکبار من نیست	شب آنکه بر آتشم زند آب
شب نیست که در کنار من نیست	رفستم که کناره گیرم از غم

آغاز و انجام

ایکاش خبر کردند مرغان هم آوازی	در دام سر زلفی می‌نالم و مییالم
انجام چه خواهد بود این است چو آغازم	زاغاز طلبکاری دیدم ز تو صد خواری

محمد ابن جابر

محمد بن احمد بن علی بن جابر «اندلسی الاصل والولاده» به ابن جابر شهرت یافت محمد ابن جابر در سال ۶۹۸ هـ ق متولد شد. و از ادبای قرن هشتم هجری است. وی نابینایی مادر زاد بود. قرآن و فقه و حدیث را در مولد خود فرا گرفت و سپس به مصر رفت، با احمد ابن یوسف رعینی آشنا شد. دوستی عمیقی بین این دو ادیب به وجود آمد. بدین نحو که محمد ابن جابر می گفت و احمد بن یوسف می نوشت.

از آثار این دو شرح: الفیه ابن مالک، قصیده ای در مدح حضرت ختمی مرتبت، شرح سبیل الرشاد شیخ احمد منهوری است، که در مصر به چاپ رسیده است. این دو یار مکمل از مصر به شام و به شهر حلب مهاجرت کردند و در قریه بهره از توابع حلب رحل اقامت انداختند.

ابن جابر در سال ۷۸۰ هـ ق، در اقامتگاه خویش دار فانی را وداع گفت.^(۱)